

Scientific Validity of Religious Teachings on "Evil Eye" and "Protection Against It"

Nasrin Ansarian¹

Received: 10/06/2023

Accepted: 30/04/2024



Abstract

The belief in the "evil eye" is one of the oldest human beliefs, and various cultures have proposed different remedies to protect against its effects. While some of these remedies may not be supported by rational and scientific reasoning, religious teachings also address this phenomenon. Therefore, it is important to explore the scientific basis of these teachings. The aim of this article is to answer the main question: "What are the scientific reasons for the scientific validity of religious teachings on proving the existence of the evil eye and protecting against it?" The research findings, obtained through a descriptive-analytical method using library and software sources, suggest that the scientific validity of the belief in the evil eye in religious teachings is supported by "arguments based on the supernatural nature of humans," "empirical arguments," and "rational arguments." Similarly, the protective measures against the evil eye in religious teachings, such as "reliance on God," "recitation of specific verses and supplications," "use of amulets," "use of salt," "covering oneself," etc., also have scientific foundations, as these measures are supported by "rational arguments."

Keywords

Scientific validity, religious teachings, evil eye, protection against the evil eye.

1. Level Four (PhD) in Comparative interpretation of the Qur'an, Professor and researcher of al-Zahra University, Qom, Iran. Nasrin.ansarian@yahoo.com.

* Ansarian, N. (1402 AP). Scientific Validity of Religious Teachings on "Evil Eye" and "Protection Against It". *Journal of Studies of Qur'anic Sciences*, 5(17), pp. 159-184.
<https://doi.org/10.22081/JQSS.2024.66665.1271>.

الأساس العلمي لإثبات الإصابة بالعين في التعاليم الدينية وطرق الوقاية منها وعلاجها

نسرین أنصاریان^١

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٣/٠٦/١٠ تاريخ القبول: ٢٠٢٤/٠٤/٣٠

الملخص

يعتبر الاعتقاد بالعين من أقدم المعتقدات الدينية التي عرفته مختلف الشعوب واقتُرحت لها طرقاً كثيرة ومختلفة للوقاية منها وعلاجها، لكنَّ العقل البشري لا يوافق تأثير وفعالية بعضها. وبما أنَّ هناك نقاطاً هامةً حول هذا الموضوع في التعاليم الدينية، فمن المهم أن نفهم أساسها العلمي. ولذلك استهدفت الدراسة الإجابة عن هذا السؤال الرئيس: ما هي الأدلة العلمية لإثبات الإصابة بالعين وطرق الوقاية منها وعلاجها في التعاليم الدينية؟ وأتبع الباحث لتحقيق هذا الهدف المنهج الوصفي التحليلي واعتمد في دراسته على المصادر المكتوبة والإلكترونية ومن أهم النتائج التي توصلت إليها الدراسة هي أنَّ الأساس العلمي للإصابة بالعين في التعاليم الدينية يدعمه «الاستدلال المبني على كون الإنسان ذا بُعد ميتافيزيقي»، وكذلك «الاستدلال التجريبي»، و«الاستدلال العقلي». والطرق المتعددة التي توصي بها التعاليم الدينية للوقاية منها وعلاجها «التوكل على الله»، و«قراءة بعض الآيات والأدعية»، و«استخدام العقيق»، و«استخدام الملح»، و«التستر عن أعين الناس». وإنَّ الأساس العلمي لهذه التوصيات يتمتّع بالاستدلال العقلي.

الكلمات المفتاحية

الأساس العلمي، التعاليم الدينية، إثبات الإصابة بالعين، طرق الوقاية من الإصابة بالعين وعلاجها.

١. المستوى الرابع من الحوزة العلمية النسائية (الدكتوراه)، فرع التفسير التطبيقي، أستاذة وباحثة بجامعة الزهراء عليها السلام، قم، إيران. nasrin.ansarian@yahoo.com

* أنصاريان، نسرین. (٢٠٢٣). الأساس العلمي لإثبات الإصابة بالعين في التعاليم الدينية وطرق الوقاية منها وعلاجها. الفصلية العلمية الترويجية لدراسات علوم القرآن، ٥(١٧)، صص ١٥٩-١٨٤.

<https://Doi.org/10.22081/IQSS.2024.66665.1271>

علمی‌بودن آموزه‌های دینی در «اثبات چشم‌زخم» و «دفع آن»

نسرين انصاریان^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۱۱



چکیده

چشم‌زخم از قدیم‌ترین باورهای بشر است که از طرف ملل و نحل مختلف، راهکارهای متفاوتی برای دفع آن ارائه شده که مؤثر بودن برخی از آنها، مورد تأیید عقل و شعور انسانی نیست، با توجه به اینکه در آموزه‌های دینی نیز نکاتی در این باره دیده می‌شود، پی‌بردن به علمیت آن نکات اهمیت دارد؛ از این‌رو هدف این نوشته پاسخ‌گویی به این پرسش اصلی است: «دلایل علمیت آموزه‌های دینی در اثبات چشم‌زخم و دفع آن چیست؟»؛ یافته‌های پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری به دست آمد این شد که: علمیت وجود چشم‌زخم در آموزه‌های دینی از پشتوانه «استدلال براساس ماوراء طبیعی بودن انسان»، «استدلال تجربی» و «استدلال عقلی» برخوردار است؛ همین‌طور راهکارهای دفع چشم‌زخم در آموزه‌های دینی که «توکل بر خدا»، «قرائت برخی آیات و ادعیه»، «استفاده از عقیق»، «استفاده از نمک»، «پوشاندن» و ... است نیز، پشتوانه علمی دارند به این صورت که راهکارهای یادشده از پشتوانه «استدلال عقلی» برخوردار است.

کلیدواژه‌ها

علمیت، آموزه‌های دینی، اثبات چشم‌زخم، دفع چشم‌زخم.

۱. سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی، مدرس و پژوهشگر جامعه الزهراء. قم. ایران. nasrin.ansarian@yahoo.com

* انصاریان، نسرين. (۱۴۰۲). علمی‌بودن آموزه‌های دینی در «اثبات چشم‌زخم» و «دفع آن». فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۵(۱۷)، صص ۱۵۹-۱۸۴. <https://doi.org/10.22081/JQSS.2024.66665.1271>

مقدمه و تبیین مسئله

یکی از مهم‌ترین ارگان‌های بدن هر جاننداری «چشم» است که نقش اساسی در مشاهده، نفوذ و تأثیر بر دیگران دارد؛ از این رو در طول تاریخ همواره چشم و تأثیرات آن، مورد توجه انسان‌ها بوده و عباراتی مانند «نگاه خانمان سوز»، «نگاه آتشین»، «چشمان شور» و... در گفتمان‌های بشری پر بسامد است. یکی از پدیده‌های مرتبط با «چشم» که همواره مورد اقبال جمعی از ملل و نحل بوده، «چشم‌زخم» است.

در معارف اسلامی نیز به وجود این پدیده اشاراتی شده است؛ اما به دلیل تجمیع خرافات در راه‌های اثبات و دفع آن در میان اقوام مختلف، علمی‌بودن آموزه‌های دینی در این رابطه محل تأمل است؛ از این رو موضوع این نوشته پاسخ‌گویی به این پرسش اصلی است: دلایل علمی‌بودن آموزه‌های دینی در اثبات چشم‌زخم و دفع آن چیست؟

۱. پیشینه موضوع

به دلیل اقبال حداکثری از پدیده «چشم‌زخم»، آثار ارزش‌مندی در این رابطه نوشته شده که در ادامه به برخی از این موارد می‌پردازیم:

مقاله‌ای «کنکاشی در مقوله شورچشمی چشم‌زخم در قرآن و روایات» (محمدی و اکبرنژاد، ۱۳۸۸)، که نویسنده‌گان این مقاله شورچشمی را از جمله مسائل متافیزیکی و مورد قبول بسیاری از ملل و نحل دانسته و تلاش کرده‌اند با بیان مبانی دینی آن، دیدگاه‌های مخالفان آن را نقد و بررسی کنند.

مقاله «آسیب‌شناسی پدیده چشم‌زخم در جامعه اسلامی در پرتو آیات قرآن» (زارع زردینی و همکاران، ۱۳۹۴)، که نویسندگان در این مقاله به آثار سوءفهم از چشم‌زخم پرداخته‌اند.

مقاله «علت‌شناسی تأثیر و بازدارندگی آیه «و ان یکاد» از چشم‌زخم در نگاه فریقین» (سبحانی پامچی، ۱۳۹۷) که نویسنده در این مقاله، تأثیرات حقیقی یا مجازی و عاملیت بازدارندگی دفعی یا رفعی شورچشمی را بررسی کرده و نتیجه گرفته که آیه شریفه در امر بازدارندگی هم برای دفع چشم‌زخم و هم برای رفع آثار شوم آن کاربرد عملی دارد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در زمینه «چشم‌زخم» آثار ارزش‌مندی نوشته شده، اما اثری که به «علمی‌بودن آموزه‌های دینی در اثبات چشم‌زخم و دفع آن» به‌طور مستقل پرداخته باشد یافت نشد؛ از این‌رو در این نوشته این موضوع بررسی می‌گردد.

۲. مفهوم‌شناسی

چشم‌زخم از قدیم‌ترین باورهای بشر در سراسر جهان و از جمله در جهان اسلام است. در تعریف چشم‌زخم آورده‌اند: «چشم‌زخم عبارتست از آسیبی که از چشم شور به کسی یا چیزی برسد» (عمید، ۱۳۸۱، ص ۴۹۷)؛ همین‌طور آمده است: «چشم‌زخم آزار و نقصانی است که به سبب دیدن بعضی از مردم و تعریف کردن ایشان، به کسی یا چیزی وارد شود» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۸۱۴۶).

در کلام عرب نیز مراد از «بِه نَظْرَةً» این است که به او چشم‌زخم رسیده است (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۱۴؛ صاحب، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۲۲).

اسامی دیگر چشم‌زخم در فارسی «نظر بد»، «شورچشمی» و ...، و در عربی «عین لامة»، «اصابه العین»، «عین الكمال» و ... است، در میان این اسامی اگر آن را «عین الكمال» نامیدند به‌عنوان شگون است که اثر بد نگذارد، مثل اینکه مارگزیده را به‌عنوان شگون «سلیم» می‌گویند (ر.ک: بلاغی، ۱۳۸۶ق، مقدمه اول، ص ۳۸۹).

بیشتر عامل اصلی چشم‌زخم حسادت معرفی می‌شود، با این بیان: افرادی که دچار محرومیت، فقر، نقص و ... هستند به گروهی که این کمبودها را ندارند حسادت می‌ورزند. این گروه احتمالاً چشمانی شور و نگاهی زیان‌بار دارند. متقدمان در این زمینه آورده‌اند: «و قد یكون في المعین، إن كان مبغضا عند العائن صفة يستحسنها العائن، فیعینه من تلك الصفة، لا سیما من تكون فيه صفات کمال؛ گاهی در کسی که چشم‌زخم می‌خورد، ویژگی هست که چشم‌زخم‌زننده آن را می‌پسندد - هرچند از چشم‌زخم‌زننده از دست وی خشمگین است - و به‌خاطر همین ویژگی وی را چشم‌زخم می‌زند، به‌ویژه کسانی که صفت کمالی دارند» (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۲۵۰).

برخی مفسران متأخران نیز آورده‌اند که چشم‌زخم، نوعی حسد نفسانی است که

هنگام مشاهده چیزی که در نظر شورچشم، زیاد و تعجب برانگیز است محقق می‌شود (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۳۹۳).

با اینکه رابطه مستقیم و پیوند محکم میان چشم‌زخم و حسد برقرار است، اما چشم‌زخم تنها به دلیل حسادت نیست، بلکه افراد خیرخواه و مهربان، مانند مادران، نیز بی‌آنکه بخواهند، به فرزندان خود چشم‌زخم می‌زنند، حتی جانوران مانند مار، سگ، روباه، طاووس و کلاغ و حتی نگاه جنیان نیز ممکن است انسان را چشم‌بزند (ر.ک: جاحظ، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۱۳۱)؛ بنابراین رابطه چشم‌زخم و حسد را می‌توان «عموم و خصوص من وجه» دانست، که نقطه مشترک آنها «حسود شورچشم» و نقاط مجزا «حسود غیرشورچشم» و «شورچشم غیرحسود» است.

۳. باور به وجود چشم‌زخم در میان ملل

به گواهی تاریخی باور به «چشم‌زخم» در بین قشر گسترده‌ای از جوامع مختلف وجود داشته از جمله: در ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد، این فرهنگ در فرهنگ هند، ایران تا مدیترانه، از یونان تا مصر و آفریقا وجود داشته است، یعنی اولین فرهنگ‌ها و تمدن‌های جهان این باور را داشتند.

در میان یهودیان باور بر این بود که ۹۹ درصد مرگ‌ها ناشی از چشم‌زخم است و تنها یک درصد مردمان به مرگ طبیعی می‌میرند.

در بین النهرین پزشکی، ابتدا طی عملیاتی مشخص می‌کرد که بیماری ناشی از عاملی ماوراء الطبیعی مثلاً چشم‌زخم، است یا آنکه ناشی از عاملی طبیعی و مادی است و باید با دارو درمان شود (ر.ک: وسترمارک، ۱۳۹۶، ص ۵۶).

این سنت کهن در ادوار متأخر نه تنها در حوزه طب عامیانه رواج داشت، بلکه حتی ناراحتی و گریه کودکان که علت‌های گوناگونی دارد و اتفاقاتی که بر اثر بی‌احتیاطی صورت می‌گیرد، ناشی از چشم‌زخم تلقی می‌شد، در نتیجه، در کنار مداوای عرفی، عملیات دفع چشم‌زخم نیز در طب عامیانه تجویز می‌شد (ر.ک: احمد جبار، ۱۹۸۴م، ص ۱۰۷).
بنابراین باور به چشم‌زخم نسبتاً عمومی بوده، تا جایی که گفته شده است: زیان

امواج سوزان که از باطنی خبیث خارج می‌گردد، مورد اتفاق ارباب ملل و نحل است (بلاغی، ۱۳۸۶ق، ج ۷، ص ۷۷).

باور به چشم‌زخم در دین اسلام نیز هست و در آیه «وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ» (فلق، ۵) دستور داده شده از شر حسود، زمانی که حسد می‌ورزد به پروردگار پناه برده شود. در تفسیر این آیه، برخی مفسران، یهود را مصداق حاسد برشمرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰، ص ۲۲۸؛ حنفی، ۲۰۰۴م، ج ۲، ص ۱۴۷۳).

البته برخی مخالف وجود چشم‌زخم هستند و آن را به دلیل اعتقادات خاص خود انکار کرده‌اند، از جمله این افراد، پیروان مکتب اعتزال هستند که با توجه به فضای فکری خود مبنی بر «سنجش هر پدیده در عالم با عقل بشری»، به دلیل اینکه در برخی مسائل ماوراء طبیعت و متافیزیکی با استفاده از عقل بشری راه به جایی نبردند، ناگزیر به انکار آنها شده‌اند (ر.ک: شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۸۱)، هر چند با ظرافتی عقلانی، انکار آنها قابل نقد است.

۴. آموزه‌های دینی در وجود چشم‌زخم

برخی آیات و روایات اشاراتی مستقیم و غیرمستقیم بر وجود چشم‌زخم دارند: در قرآن ذکر صریحی از چشم‌زخم نیامده است، اما برخی مفسران بنابر منابع فکری خود پاره‌ای از آیات را ناظر به چشم‌زخم دانسته‌اند.

برجسته‌ترین آیه در این رابطه آیه ۵۱ سوره قلم است: «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ؛ و آنان که کافر شدند، چون قرآن را شنیدند چیزی نمانده بود که تو را چشم بزنند، و می‌گفتند: او واقعاً دیوانه‌ای است» (قلم، ۵۱).

این آیه از دو راه بر چشم‌زخم دلالت دارد؛ راه اول، عبارت قرآنی «لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ» و راه دوم، «شأن نزول آیه».

در عبارت «لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ»، مصدر ریشه «زل.ق» به معنای «لغزیدن» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۱) و «ازلاق» مصدر باب افعال به معنای «لغزاندن» است (راغب اصفهانی،

۱۴۱۲ق، ص ۳۸۳) و عبارت «أَلْيَزُّ لِقُون» فعل مضارع در باب افعال است، بیش تر مفسران مراد از «ازلاق الابصار» را چشم زخم دانسته اند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۱۲)؛ همان گونه که در استعمال عرف آمده است: «فلانی به من طوری نگاه کرد که نزدیک بود مرا به زمین اندازد»، یا «جوری نگاه کرد که نزدیک بود مرا بخورد»، و تأویل تمام اینها این است که او به من نگاهی کرد که اگر برای او امکان داشت مرا بخورد یا زمین زند این کار را می کرد (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۱۲).

از دو شأن نزولی که برای آیه ذکر شده نیز می توان به دلالت آن بر چشم زخم پی برد، طبق یک شأن نزول، مشرکان مردی بسیار شورچشم از بنی اسد را فراخواندند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را چشم بزند و از پای در آورد، در این هنگام جبرئیل علیه السلام آیه «و ان یکاد» را فرود آورد و بدین وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از آسیب چشم زخم نگاه داشت (واحدی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۴).

شأن نزول دوم؛ آیه در زمانی نازل شد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود در غدیر خم معرفی کرد. مردم به یکدیگر گفتند: نظر کنید به چشمان محمد صلی الله علیه و آله که چگونه دور می زند، گویا مانند چشم شخص دیوانه است و به این وسیله می خواستند حضرتش را چشم بزنند، در این هنگام جبرئیل علیه السلام نازل شد و آیه «و ان یکاد...» را آورد (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۷، ص ۲۲۱).

بنابراین با این دو طریق آیه دلالت بر «وجود چشم زخم» دارد.

آیه دیگری که مفسران آن را ناظر بر چشم زخم می دانند، این آیه است: «قَالَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَاذْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ» و گفت: ای پسران من، از یک دروازه در نیایید، بلکه از دروازه های مختلف وارد شوید» (یوسف، ۶۷).

طبق این آیه، حضرت یعقوب علیه السلام از ترس چشم خوردن پسرانش به ایشان توصیه کرد که همگی از دروازه های مختلف وارد مصر شوند. این آیه دلالت مستقیمی بر چشم زخم ندارد و احتمالات دیگری از جمله حسد بردن مردمان و ترس از آسیب حکومت با مشاهده قوت و اتحاد آنان، مطرح است؛ البته با توجه به اینکه عامل قوی چشم زخم حسادت است، آیه می تواند ناظر بر چشم زخم باشد.

برخی روایات نیز وجود چشم‌زخم را اثبات می‌کنند، از جمله: روایتی از پیامبر ﷺ که در آن «چشم زخم» را همپای «قضا و قدر» می‌داند و می‌فرماید: «الْعَيْنُ حَقٌّ وَ لَوْ كَانَ شَيْءٌ يَسْبِقُ الْقَدَرَ لَسَبَقَتِ الْعَيْنُ الْقَدَرَ؛ چشم‌زخم حق است و اگر قرار بود چیزی از قدر سبقت بگیرد آن چشم‌زخم است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۶۰).

در روایتی از امام صادق علیه السلام نیز آمده است: «لَوْ بُشَّ لَكُمْ عَنِ الْقُبُورِ لَرَأَيْتُمْ أَنَّ أَكْثَرَ مَوْتَاهُمْ بِالْعَيْنِ لِأَنَّ الْعَيْنَ حَقٌّ؛ اگر قبرستان را برای شما نبش کنند، خواهید دید که اکثر مردگان شما به دلیل چشم‌زخم مرده‌اند؛ زیرا که چشم‌زخم حق است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۰، ص ۲۵).

۵. علمی بودن آموزه‌های دینی در «وجود چشم‌زخم»

با توجه به اقبال بسیاری از ملل در وجود چشم‌زخم همواره اندیشمندان در پی استدلال‌هایی برای اثبات این پدیده بوده‌اند، که می‌توان آن استدلال‌ها را به سه دسته تقسیم کرد: ۱. استدلال براساس ماوراء طبیعی بودن انسان؛ ۲. استدلال تجربی و ۳. استدلال عقلی.

۵-۱. استدلال براساس ماوراء طبیعی بودن انسان

روح انسان دارای ویژگی ماوراء طبیعی است و از قدرت بالایی برخوردار است و می‌تواند بر انسان‌ها و اشیاء تأثیر بگذارد. پس براساس «ماوراء طبیعی بودن انسان»، «چشم» موضوعیت ندارد، بلکه این قدرت روح است که خواسته یا ناخواسته بر امور خارجی اثر می‌گذارد. در حقیقت، فرآیند چشم‌زخم این‌گونه است که شیء در روح چشم‌زننده اثر می‌گذارد و روح او بر شیء، اثر منفی می‌گذارد؛ زیرا انسان می‌تواند اثر غیرمادی بر خارج داشته باشد؛ بنابراین در «چشم‌زخم»، «چشم» تنها یک وسیله است و نیروی تأثیرگذار روح انسان‌هاست و علت نسبت‌دادن عمل به «چشم» نقش اساسی آن در این جریان است. گواه صحت مطلب، این نکته است که «چشم‌زخم» بر فرد یا شیء غایب از نظر نیز اثرگذار است.

در این استدلال در چگونگی سازوکار چشم‌زخم آورده‌اند: «نفس انسان، ربّانی و از سنخ مجردات است که هم می‌تواند اموری را در درون خویش تصور کرده و در آن تأثیر گذارد و هم می‌تواند در بدن غیر تأثیر گذارد. از مواردی که با تصور آن در درون خویش تأثیر می‌گذارد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: در اثر تصور عشق و غضب، بدن او گرم می‌شود، در اثر تصور ترشی دهان او آب باز می‌کند و اگر روی دیوار بلندی راه رود به واسطه توهّم افتادن، بدنش به لرزه درآمده و سقوط می‌کند؛ از مواردی که می‌تواند در بدن غیر تأثیر گذارد چشم‌زخم زدن به دیگران است (ر.ک: بلاغی، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۳۹۰). این استدلال موافق نظر گروهی است که معتقد به ماوراء طبیعی بودن انسان هستند.

۲-۵. استدلال تجربی

در استدلال «چشم‌زخم» براساس «استدلال تجربی»، «چشم» موضوعیت دارد، زیرا علاقه یا نفرت از چیزی و کسی موجب واکنش مردمک چشم انسان می‌شود. در کلام متقدمان اسلامی این گونه آمده است: در «چشم‌زخم»، اجزاء غیر مرئی و لطیف مانند حرارت یا سم از چشم‌های شور خارج می‌شود (ر.ک: جاحظ، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۱۳۳). اندیشمندان معاصر نیز دلیل تجربی «چشم‌زخم» را امواج تشعشع کننده از چشم شخص دانسته‌اند که در اثر کنش ویژه‌ای در درون انسان پدید می‌آید که این تشعشعات، عادی و طبیعی بوده و شبیه امواج الکتریسته است که تأثیر فوری دارد (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۸، ص ۲۸۳).

برخی نیز در تأیید مطلب آورده‌اند که در دنیایی که «اشعه لیزر نامرئی» می‌تواند کاری کند که از هیچ سلاح مخربی ساخته نیست، پذیرش وجود نیرویی در بعضی چشم‌ها که از طریق امواج مخصوص در طرف مقابل اثر بگذارد، چیز عجیبی نخواهد بود (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۴۲۷).

در عجیب‌نبودن مطلب می‌توان به «خواب‌های مغناطیسی» و «تله پاتی» نیز اشاره کرد؛ زیرا با نگاه کردن به فرد در خواب‌های مغناطیسی تصرفاتی می‌شود که شخص

مورد نظر به خواب عمیقی فرو می‌رود و از اسرار درونی خود خبر می‌دهد، و در «تله پاتی» نیز انتقال افکار از فردی به فرد دیگر در عالم واقع اتفاق می‌افتد. این استدلال برای گروهی که قائل به استدلال‌های تجربی هستند مناسب است.

۳-۵. استدلال عقلی

سومین استدلال برای «علمی بودن آموزه‌های دینی در چشم‌زخم»، «استدلال عقلی» است. طبق این استدلال بر فرض عدم پذیرش استدلال‌های «ماوراء طبیعی» و «تجربی»، دلیل عقلی برای نفی «چشم‌زخم» وجود ندارد؛ از این رو این باور جزء باورهای توجیه‌کننده به‌شمار می‌آید که برخی بزرگان تفسیر به‌صراحت به آن اشاره کرده‌اند (ر.ک: قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۳، ص ۳۹۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۳۸۸).

برای نمونه ابوالفتح رازی در پاسخ به ابوهاشم بلخی می‌نویسد: به نظر می‌آید ایرادکنندگان به چشم‌زخم، مذهب مادیین داشته باشند و تأثیر اسباب روحی را باور نمی‌کنند، در صورتی که هر فرد خردمندی می‌داند که چون صحت چیزی معلوم نشود، باید درباره آن سکوت کرد نه اینکه آن را انکار کرد (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۲۴۴). برخی مفسران نیز بر خوردی قهرآمیز داشته و آورده‌اند: «جمعی که تجویز آن نمی‌کنند باید به اصابت عین گرفتار شوند تا امر محقق‌الوقوع را انکار نمایند» (اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۵۵۷).

۶. دفع چشم‌زخم در میان ملل

با توجه به باور حداکثری ملل به وجود «چشم‌زخم»، راهکارهای گوناگونی برای دفع آن انجام می‌گرفته که برخی از آنها برای امور خاص و برخی برای همه امور است، از جمله راهکارها برای امور خاص موارد زیر است:

برای حفاظت کودکان خود از چشم‌زخم، بر آنها لباس‌های چرکین و مندرس می‌پوشاندند، رویشان را نمی‌شستند، بر اندام پسرها لباس‌های دخترانه می‌پوشاندند و مویشان را مانند دختران، بلند می‌کردند و گاهی از ته می‌تراشیدند، آنان را با القابی مانند

خنگ، عقب افتاده، دست و پا چلفتی و ... صدا می کردند، در برابر دیگران، پیوسته معایب فرزندان خود را می شمردند و آنان را تحقیر و سرزنش می کردند، حتی گاهی از بیان شمار درست فرزندان خود طفره می رفتند و ... (وستر مارک، ۱۳۹۶، ص ۲۶)؛ همان طور که مشخص است این امور نه تنها تأثیری در دفع چشم زخم ندارد، بلکه موجب لطمه روحی به کودکان می شود.

برای حفاظت از دام های خود، هنگامی که تعداد شترانشان به هزار نفر می رسید، یک چشم بهترین شتر خود را کور می کردند و اگر تعدادشان باز بیشتر می شد، چشم دیگرش را هم درمی آوردند، یا اینکه حیواناتی مانند خوک را که از لحاظ شرعی نجس و استفاده از شیر، گوشت و پوست آنها حرام است، در کنار دام های خود در طویله نگاه می داشتند (ر.ک: جاحظ، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۷)، ناگفته پیداست این امور هیچ تأثیری در دفع چشم زخم ندارد.

در تجارت، اگر کسی اصرار می کرد که چیزی را از کسی بخرد، طرف ناچار می شد حتی بدون رضایت خاطر، آن را به او بفروشد یا اگر کسی از چیزی که در تملک دیگری بود، تعریف می کرد، آن را به طرف هدیه می دادند (ر.ک: وستر مارک، ۱۳۹۶، ص ۲۷)؛ این امور در تجارت نیز نه تنها در دفع چشم زخم اثری نداشت، بلکه زمینه سوء استفاده رندان را فراهم می کرد.

در دیوارهای بیرونی خانه ها را یا بدون تزئین می گذاشتند یا به نحوی که در نظر رهگذران، زشت و فقیرانه جلوه کند می ساختند (ر.ک: شهری باف، ۱۳۸۱، ج ۳، صص ۲۰۳-۲۰۴). در تشکیلات حکومتی، برخی حکمرانان، کسانی را برای دفع چشم زخم استخدام می کردند و گاه مردم می بایست برای دفع چشم زخم از حاکم، مراسمی انجام می دادند (ر.ک: مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۲۸۹).

از جمله راهکارهایی که برای دفع چشم زخم در همه امور استفاده می شد موارد زیر است:

برخی فقها برای کسانی که به شور چشمی مشهور بودند، احکام خاصی صادر می کردند، از جمله چشم زنده را از مخالطت با مردمان منع می کردند و او را در خانه اش

بازداشت کرده، برای معیشت او، از بیت المال مقررری تعیین می کردند (ر.ک: شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۱۱۰)، این امر نیز افزون بر اینکه اثری در دفع چشم زخم نداشت، زمینه سوء استفاده از دیگران را فراهم می کرد.

برخی با روش خاصی اقدام به شکستن تخم مرغ می کردند به این صورت که دو تا سکه دو طرف تخم مرغ قرار می دادند و نام افرادی را که می شناختند می بردند، اگر با نام بردن فرد خاصی، تخم مرغ می شکست، یعنی آن شخص در زمانی نزدیک چشم زخم زده و اگر ترک برداشت، یعنی در زمان قدیم چشم زخم زده؛ که بدیهی است که دلیل علمی بین این اعمال و دفع چشم زخم وجود ندارد.

راهکار دیگر دفع چشم زخم، استفاده از مهره های آبی رنگ بود، که مؤثر بودن «رنگ آبی» آنها در دفع چشم زخم، جنبه علمی و شرعی ندارد.

خال کوبی کردن نیز از جمله این راهکارهاست، که نه تنها تأثیر علمی ندارد، بلکه از نظر شرعی رد شده است، همان گونه که در حدیثی از پیامبر ﷺ آمده است: «العین حق و نهی عن الوشم؛ چشم زخم حق است و از خال کوبی نهی شده است» (بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۱۴۳).

دود کردن اسپند برای رفع چشم زخم، دلیل دینی ندارد، اما حداقل با عقل و شرع منافات ندارد و به دلیل خواص آرامش بخش و درمانی ای که دارد از سوی ائمه علیهم السلام توصیه شده است، همان گونه که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «ما أنبت الحرمل من شجرة ولا ورقة ولا ثمرة الا و ملك موكل بها حتى تصل الی من وصلت إليه أو تصیر حطاما، و ان فی أصلها و فرعها نشرة، و ان فی حبها الشفاء من اثنين و سبعین داء فتداووا بها؛ هیچ بوته ای از بوته های اسپند نمی روید، مگر اینکه فرشتگانی با آن هستند و آن را تا هنگامی که بدان کس که بخواهد برسد می رسد، حفاظت می کنند. ریشه اسپند، نشاط آور و شاخه آن، درمان ۷۲ درد است» (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۶۰)؛ در سیره امام کاظم علیه السلام نیز آمده است: هنگامی که از حمام به رخت کن می آمدند، منقل آتشی می خواستند و در آن با سوزاندن اسفند بخور می دادند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۸۴).

۷. آموزه‌های دینی در «دفع چشم‌زخم»

در آموزه‌های اسلام ضمن پذیرش پدیده «چشم‌زخم» و بیان دلایل آن، توصیه‌هایی برای «دفع چشم‌زخم» نیز وارد شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱-۷. توکل بر خدا

یکی از راه‌های «دفع چشم‌زخم» در آیات و روایات «توکل بر خدا» است که در ادامه مطلب به یک آیه و یک روایت اشاره می‌شود.

همان‌گونه که گفته شده یکی از آیاتی که ناظر بر وجود چشم‌زخم است آیه شریفه: «وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَحْكَمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ»؛ و گفت: ای پسران من، از یک دروازه درنیایید، بلکه از دروازه‌های مختلف وارد شوید، و من چیزی از خدا را از شما دور نمی‌توانم داشت. فرمان جز برای خدا نیست. بر او توکل کردم، و توکل کنندگان باید بر او توکل کنند» می‌باشد (یوسف، ۶۷)؛ در فراز انتهایی آیه، راهکار دفع آن طبق عبارت قرآنی «فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ»، «توکل بر خداوند» است.

در حدیثی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز آمده است: «الْعَيْنُ حَقٌّ فَمَنْ أَحْبَبَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَلْيَذْكُرِ اللَّهَ فِي ذَلِكَ فَإِنَّهُ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ لَمْ يَضُرَّهُ؛ چشم‌زدن حق است، پس اگر چیزی از جانب برادرش او را به تعجب آورد ذکر خدا گوید؛ زیرا هنگامی که ذکر خدا گوید به او ضرر نمی‌رساند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۲، ص ۱۲۷)، در این روایت راهکار دفع چشم‌زخم «ذکر و یاد خدا» بیان شده است.

۲-۷. قرائت یا همراه داشتن برخی آیات و دعاها

دومین راهکار در آموزه‌های دینی در «دفع چشم‌زخم»، «قرائت یا همراه داشتن برخی آیات و روایات» است از جمله خواندن آیه ۵۱ و ۵۲ سوره قلم است که به آیه «و ان یکاد» معروف می‌باشد:

«قَالَ الْحَسَنُ دَوَاءٌ إِصَابَةَ الْعَيْنِ أَنْ يَقْرَأَ الْإِنْسَانُ هَذِهِ الْآيَةَ وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا

لَيُرِيَنَّكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ؛ حسن (بصری) گفت: درمان چشم زخم این است که انسان آیه «و ان یکاد...» را بخواند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۲، ص ۱۳۲).

این که قرائت یا همراه داشتن آیه «و ان یکاد...»، جلو چشم زخم دیگران را می‌گیرد یا نه، روایتی مُسند از پیامبر ﷺ یا دیگر معصومان علیهم‌السلام در دست نیست؛ فقط طبق روایت مذکور حسن بصری گفته که دواي چشم زخم، قرائت آیه «وَ اِنْ يَكَادُ...» است.

آیات دیگر در دفع چشم زخم قرائت سوره فلق است: «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ؛ بگو: پناه می‌برم به پروردگار سپیده دم، از شر آنچه آفریده، و از شر تاریکی چون فراگیرد و از شر دمنندگان افسون در گره‌ها و از شر حسود، آن گاه که حسد ورزد؛ زیرا در این سوره از شر هر بدخواهی و از جمله حسودان که عامل قوی در چشم زخم هستند، به خدا پناه برده شده است.

بنابر این روایت نیز که «العین حقّ؛ چشم زدن حق است» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۴۶) یکی از راهکارهای دفع چشم زخم ادعیه ائمه علیهم‌السلام است که در برخی کتب روایی به آنها اشاره شده است (رک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۲، ص ۱۲۴). از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است که فرمودند: «الْعَيْنُ حَقٌّ وَ لَيْسَ تَأْمُنُهَا مِنْكَ عَلَى نَفْسِكَ وَ لَا مِنْكَ عَلَى غَيْرِكَ فَإِذَا خِفْتَ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ فَقُلْ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ثَلَاثًا وَ قَالَ إِذَا نَهَيْتُمْ أَحَدَكُمْ تَهْيِئَةً تُعْجِبُهُ فَلْيَقْرَأْ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ الْمَعْوِذَتَيْنِ فَإِنَّهُ لَا يَضُرُّهُ بِإِذْنِ اللَّهِ؛ چشم زخم واقعیت دارد، از چشم دیگری بر خود ایمن مباش و هم از چشم خود بر دیگری و اگر از چشم زخم ترسیدی سه بار بگو: ما شاء الله لا حول و لا قوّة الا بالله العليّ العظيم. و چون یکی از شما با هیأت آراسته‌ای از خانه بیرون می‌شود هنگام خروج معوذتین بخواند که به فرمان حق آسیبی نبیند ان شاء الله تعالی (طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۶۲).

۷-۳. استفاده از عقیق

سومین راهکار دفع چشم زخم بنابر آموزه‌های دینی «استفاده از سنگ عقیق» است،

که معروف‌ترین آن سنگ «بابا قوری» است، که یک یا چند طرح دایره مانند بر روی خود دارد.

در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است: «تَحْتَمُوا بِالْعَقِيقِ يُبَارِكُ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا فِي أَمْنٍ مِنَ الْبَلَاءِ؛ انگشتر عقیق به دست کنید تا خدا به شما برکت دهد و از بلاها ایمن باشید» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۱۷۴)؛ در این روایت ذکر صریحی از «دفع چشم‌زخم توسط عقیق» نیامده است، اما از اطلاق «تَكُونُوا فِي أَمْنٍ مِنَ الْبَلَاءِ» می‌توان آن را به «دفع چشم زخم» به‌عنوان یکی از «بلاها» سرایت داد.

در روایتی دیگر آمده است: «كَانَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَرْبَعَةُ خَوَاتِيمَ يَتَخْتَمُ بِهَا يَأْقُوتُ لِنُبَلِهِ وَ فَيُزَوِّجُ لِنَصْرِهِ وَ الْحَدِيدُ الصَّيْنِيُّ لِقُوَّتِهِ وَ عَقِيقُ لِحِزْوِهِ؛ علی بن ابی طالب علیه السلام چهار انگشتر داشت که به انگشت می‌کرد: انگشتر یاقوت برای بزرگواریش و انگشتر فیروزه برای پیروزی و انگشتری از آهن چینی برای قوتش و انگشتر عقیق برای حفظش» (ابن بابویه، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۷)؛ در این روایت نیز شاهد سخن عبارت «وَ عَقِيقُ لِحِزْوِهِ» است که به صورت مطلق بیان شده است.

۴-۷. استفاده از نمک

چهارمین راهکار دفع چشم‌زخم بنابر آموزه‌های دینی «استفاده از نمک» است. در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است: «ابْدَأُوا بِالْمِلْحِ فِي أَوَّلِ طَعَامِكُمْ فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ، لَأَخْتَارُوهُ عَلَى الدَّرِّيَاقِ الْمُجْرَبِ؛ ابتدای طعامتان را با نمک شروع کنید، اگر مردم می‌دانستند خاصیت نمک چیست آن را برای دفع زهر بر می‌گزیدند» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۲، ص ۴۷۱)؛ مراد از «دریاق» در این روایت «داروی ضد زهر» است (ر.ک: ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص ۶۱). سیاق روایت مربوط به «طعام» است، اما با تنقیح مناظ می‌توان آن را برای دفع زهر ناشی از چشم‌زخم نیز مؤثر دانست.

۵-۷. پوشاندن بدن

پنجمین راه «دفع چشم زخم»، «پوشاندن بدن» است. توضیح اینکه طبق آیه «وَقَالَ يَا

بَنِي لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ...» (یوسف، ۶۷)، ظاهر نشدن در برابر شورچشمان، راهی برای در امان ماندن از چشم‌زخم ناشی از حسادت است. در برخی نقل‌ها آمده است: در سفری که حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ به مصر برده می‌شد، حضرت جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ برای مصون ماندن وی از چشم‌زخم اغیار، قبه‌ای را بالای چشمه نصب کرد: «چون قافله قطع منازل و طی مراحل نموده به نواحی مصر رسیدند موضعی سبزه پیدا کردند و قریب به چشمه فرود آمدند، و چون حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ از تعب سفر متأثر گشته و زنگار غبار، بر آینه جمال او نشست بود، مالک بفرمود تا در آن چشمه درآمده خود را از گرد راه شستشوی دهد، حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ متوجه چشمه گشته، جبرئیل امین عَلَيْهِ السَّلَامُ قبه آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ را که قبل از وقوع زلّت با حوا در آنجا به سر می‌برد آورده بر بالای چشمه نصب فرمود، تا بدن همایونش از چشم اغیار مصون و از آفت عین الکمال مأمون ماند» (فراهی هروی، ۱۳۸۴، ص ۲۹۴)؛ در این نقل مراد از «عین الکمال» همان‌طور که قبلاً بیان شد، «چشم‌زخم» است.

همچنین پوشاندن صورت مردان و زنان با نقاب یا حجاب در سرزمین‌های عربی و به‌ویژه شمال آفریقا تدبیری برای حفظ از چشم‌زخم دانسته شده است (وستر مارک، ۱۳۹۶، ص ۲۶).

۸. علمی بودن آموزه‌های دینی در «دفع چشم‌زخم»

در بسیاری از راهکارهای دفع چشم‌زخم در میان اقوام مختلف رگه‌هایی از خرافات وجود دارد، اما راهکارهای توصیه‌شده توسط آموزه‌های دینی از پشتوانه علمی برخوردار است که در ادامه مطلب به آنها پرداخته می‌شود.

۸-۱. استدلال براساس ماوراء طبیعی بودن انسان

اگر علمی بودن وجود چشم‌زخم در آموزه‌های دینی را «ماوراء طبیعی بودن انسان» بدانیم که در آن پدیده چشم‌زننده «روح انسان» است، راهکار دفع آن نیز «استدلال براساس ماوراء طبیعی بودن انسان» است که تبیین آن به صورت زیر است.

بنابر آنچه گفته شد، یکی از راه‌های دفع چشم‌زخم «توکل بر خدا» است، در روایتی آمده است: هنگامی که از شتر عضباء رسول الله ﷺ در مسابقه سبقت گرفتند حضرت فرمود: «مَا رَفَعَ الْعِبَادُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَصَّعَ اللَّهُ مِنْهُ؛ بندگان خدا چیزی را بالا نبردند جز آنکه خدا از مقام آن چیز کاست» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۰، ص ۷؛ جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۳۷۹)، مفسران متقدم برای این باورند از این کلام استفاده می‌شود که وقتی چیزی در نظر بندگان خدا بزرگ آمد (مورد چشم‌زخم واقع شد) خداوند از ارزش آن می‌کاهد و کوچکش می‌سازد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۸۰)، پس وقتی چیزی در نزد انسان خوش آمد اگر آن چیز را در پناه خدا قرار دهد، جلوی تغییر حالت آن چیز را می‌گیرد.

راه دوم دفع چشم‌زخم در آموزه‌های دینی «قرائت برخی آیات و دعاها» است. دلیل آن مانند راه اول این است که دعاها و توسل‌ها به فرمان خداوند جلو تأثیر نیروی چشم‌زخم را می‌گیرد. همان‌طور که گفته شد، سه بار گفتن «ما شاء الله لا حول و لا قوّة الا بالله العلیّ العظیم».

۸-۲. استدلال تجربی

اگر دلیل علمی بودن وجود چشم‌زخم در آموزه‌های دینی را «استدلال تجربی» بدانیم، راهکار دفع آن نیز از همین طریق امکان‌پذیر است که تبیین آن به قرار زیر است: یکی از راه‌های دفع چشم‌زخم استفاده از «سنگ عقیق» است که معروف‌ترین آن سنگ «بابا قوری» است، علمی بودن این راهکار از طریق تجربی این‌گونه اثبات شده که این سنگ برای تعادل و تنظیم چاکرای بدن^۱، ایجاد تحول در فرد و افزایش تفکر مثبت و اعتماد به نفس، دوری از غم و اندوه، افزایش درک و شهود درونی مفید است.

راهکار دیگر «دفع چشم‌زخم» که از طریق تجربی اثبات شده، «استفاده از نمک» بود، تبیین مطلب این است که در اطراف همه انسان‌ها یون‌های مثبت و یون‌های منفی وجود دارد. یون‌های مثبت باعث شادابی، نشاط و آرامش می‌شوند و یون‌های منفی

۱. مراکز انرژی معنوی در بدن انسان.

ناراحتی، دلهره، اضطراب، تنش و حالت عصبی را در انسان‌ها به وجود می‌آورند. سنگ نمک یون‌های منفی را در هوا پخش می‌کند که این ویژگی منحصر به فرد آن را در بین مردمان خواسته یا ناخواسته بسیار محبوب کرده است. یون‌های منفی سنگ نمک با عمل یونیزاسیون، یون‌های مثبت هوا را جذب و آن‌ها را کنترل می‌کند و در هر محیطی که باشد باعث می‌شود که آن محیط آرامش بیشتری داشته باشد و به این اصطلاح می‌توان گفت که از این طریق، سنگ نمک می‌تواند چشم‌زخم را دور کند.

۸-۳. استدلال عقلی

اگر علمی بودن وجود چشم‌زخم در آموزه‌های دینی را استدلال عقلی بدانیم، می‌توان برای برخی راهکارهای دفع آن استدلال عقلی بیان کرد، به‌عنوان مثال استدلال «پوشاندن بدن» برای دفع چشم‌زخم، «عقلی» بوده و تبیین آن به این صورت است: اگر علت وجود چشم‌زخم، «ماوراء طبیعی» و برخاسته از نفس و روح چشم‌زننده باشد، پوشاندن باعث می‌شود که فرد چشم‌زننده اصولاً تصویری از آن نداشته باشد که بخواهد آن را چشم بزند.

اگر علت وجود چشم‌زخم «تجربی» و برخاسته از تشعشعات باشد، پوشاندن مانع از برخورد تشعشعات می‌شود.

نتیجه‌گیری

چشم‌زخم واقعیت دارد و یکی از قدیم‌ترین باورهای بشر است که براساس منابع فکری برخی اندیشوران اسلامی آیاتی از قرآن ناظر بر آن است و در کلام معصومین علیهم‌السلام نیز به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به وجود آن اشاره شده است.

علمی بودن وجود چشم‌زخم در آموزه‌های دینی از پشتوانه «استدلال براساس ماوراء طبیعی بودن انسان»، «استدلال تجربی» و «استدلال عقلی» برخوردار است؛ در «استدلال ماوراء طبیعی بودن انسان»، شیء در «نفس» و «روح» چشم‌زننده جلب توجه می‌کند و سبب تأثیر منفی روح بر آن می‌شود، در «استدلال تجربی» تشعشعاتی شبیه امواج

الکتریسته از «چشم‌های» چشم‌زننده خارج می‌شود که تأثیر منفی بر شیء دارد و در «استدلال عقلی»، باور به چشم‌زخم جزء باورهای توجیه‌کننده بوده و دلیل عقلی برای نفی چشم‌زخم وجود ندارد.

بیشتر راهکارهای دفع چشم‌زخم در بین اقوام گوناگون سند علمی و شرعی ندارند و رگه‌هایی از خرافه در آنها دیده می‌شود.

راهکارهای دفع چشم‌زخم در آموزه‌های دینی، «توکل بر خدا»، «قرائت برخی آیات و ادعیه»، «استفاده از عقیق»، «استفاده از نمک»، «پوشاندن» و ... است، هر یک این آموزه‌ها پشتوانه علمی دارند: «توکل بر خدا» و «قرائت برخی از آیات و ادعیه» از پشتوانه «استدلال بر اساس ماوراء طبیعی بودن انسان»؛ «استفاده از عقیق» و «استفاده از نمک» از پشتوانه «استدلال تجربی» و «پوشاندن» از پشتوانه «استدلال عقلی» برخوردار است.

بنابراین اصل چشم‌زخم از نظر آموزه‌های دینی واقعیت دارد و برای اثبات آن دلایل علمی - هم دلیل عقلی و هم تجربی - وجود دارد. نیز راهکارهایی برای دفع چشم‌زخم در متون دینی آمده است که آنها نیز از دلایل علمی برخوردار است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. (بی تا). علل الشرائع (ج ۱). قم: کتاب فروشی داوری.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۶ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال (چاپ دوم). قم: دارالشریف الرضی للنشر.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة (ج ۳). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن (ج ۱۱). مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی.
۵. ابو حیان، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰ق). البحر المحیط فی التفسیر (ج ۱۰). بیروت: دار الفکر.
۶. احمد جبار، احمد. (۱۹۸۴م). السیة: تقالید و عادات شعبية. التراث الشعبي، ش ۱۱ و ۱۲.
۷. ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة (ج ۹). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. اشکوری، محمد بن علی. (۱۳۷۳). تفسیر شریف لاهیجی (ج ۴). تهران: دفتر نشر داد.
۹. بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ق). تفسیر البغوی المسمى معالم التنزیل (ج ۵). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. بلاغی، عبدالحجه. (۱۳۸۶ق). حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر (ج ۱ و ۷). قم: حکمت.
۱۱. جاحظ، عمرو بن بحر. (۱۴۲۳ق). الحيوان (ج ۱ و ۲). بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۲. جصاص، احمد بن علی. (۱۴۰۵ق). احکام القرآن (جصاص) (ج ۵). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. حنفی، عبدالمنعم. (۲۰۰۴م). موسوعة القرآن العظيم (ج ۲). قاهره: مکتبه مدبولی.
۱۴. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا (ج ۶، چاپ دوم). تهران: دانشگاه تهران.

۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
۱۶. زارع زردینی، احمد؛ کریمی رکن آبادی، اصغر و به رقم، نعمت‌الله. (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی پدیده چشم‌زخم در جامعه اسلامی در پرتو آیات قرآن. دوفصلنامه کتاب‌قیم، ۵(۱۳)، صص ۷۳-۹۲.
۱۷. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأفاویل فی وجوه التأویل (ج ۲، چاپ سوم). بیروت: دار الکتب العربی.
۱۸. سبحانی پامچی، محمد. (۱۳۹۷). علت‌شناسی تأثیر و بازدارندگی آیه "و ان یکاد" از چشم‌زخم در نگاه فریقین. عیون، ۵(۸)، صص ۱۱۳-۱۴۸.
۱۹. شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). نهج البلاغة (للصباحی صالح). قم: هجرت.
۲۰. شوکانی، محمد. (۱۴۱۴ق). فتح القدر (ج ۳ و ۹). دمشق: دار ابن کثیر.
۲۱. شهری باف، جعفر. (۱۳۹۸). طهران قدیم (ج ۳، چاپ هفتم). تهران: معین.
۲۲. صاحب، اسماعیل بن عباد. (۱۴۱۴ق). المحيط فی اللغة (ج ۱۰). بیروت: عالم الکتب.
۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱۹ و ۲۰). بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۴. طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۶۵). مکارم الأخلاق (مترجم: سیدابراهیم میرباقری، ج ۱، چاپ دوم). تهران: فرهنگ.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۵ و ۱۰، چاپ سوم). تهران: ناصرخسرو.
۲۶. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری ج ۳۰). بیروت: دار المعرفة.
۲۷. عمید، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ عمید (چاپ بیست و دوم). تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۸. فراهی هروی، معین‌الدین. (۱۳۸۴). تفسیر حدائق الحقایق (قسمت سوره یوسف) (چاپ دوم). تهران: دانشگاه تهران.

۲۹. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا. (۱۳۶۸). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب (ج ۱۳). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۰. قمی، عباس. (۱۴۱۴ق). سفینه البحار (ج ۲). قم: اسوه.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). کافی (ج ۱۲). قم: دار الحدیث.
۳۲. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام (ج ۹، ۳۷، ۶۰ و ۹۲). بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۳۳. محمدی، نورالله؛ اکبرنژاد، مهدی. (۱۳۸۸). کنکاشی در مقوله شورچشمی چشم زخم در قرآن و روایات. تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۶(۱۲)، صص ۶۷-۹۰.
۳۴. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد زبیدی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.
۳۵. معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۸). نقد شبهات پیرامون قرآن کریم (چاپ دوم). قم: تمهید.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (ج ۲۴، چاپ دهم). تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۷. واحدی، علی بن احمد. (۱۳۸۳). اسباب النزول واحدی (مترجم: ذکاوتی). تهران: نشر نی.
۳۸. وستر مارک، ادوارد. (۱۳۹۶). بازمانده‌هایی از فرهنگ دوران جاهلی در تمدن اسلامی (مترجم: علی بلو کباشی). تهران: فرهنگ جاوید.

References

* The Holy Quran

1. Abu al-Futuh Razi, H. B. A. (1986). *Rawz al-Janan va Rawh al-Janan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 11). Mashhad: Astan Quds Razavi, Islamic Researches Foundation. [In Persian]
2. Abu Hayyan, M. B. Y. (1999). *Al-Bahr al-Muhit fi al-Tafsir* (Vol. 10). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
3. Ahmad Jabbar, A. (1984). *AL-Seyba: Taqalid va Adat Shuayba*, 11 & 12.
4. Amidi, H. (2002). *Farhang Amidi* (22nd ed.). Tehran: Amir Kabir Publications. [In Persian]
5. Ashkavari, M. B. A. (1996). *Sharif Laheji's Interpretation* (Vol. 4). Tehran: Daftar Nashr Dad. [In Persian]
6. Azhari, M. B. A. (1995). *Tahdib al-Lugha* (Vol. 9). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
7. Baghdawi, H. B. M. (1999). *Tafsir al-Baghawi al-Musama Ma'alim al-Tanzil* (Vol. 5). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
8. Balaghi, A. H. (2007). *Huja al-Tafasir va balagh al-Iksir* (Vols. 1 & 7). Qom: Hekmat. [In Persian]
9. Dekhoda, A. A. (1998). *Dekhoda's Dictionary* (2nd ed., Vol. 6). Tehran: Tehran University. [In Persian]
10. Farahi Heravi, M. (2005). *Tafsir Hada'iq al-Haqa'iq (Part of Surah Yusuf)* (2nd ed.). Tehran: University of Tehran. [In Persian]
11. Hafni, A. M. (2004). *Mawsu'ah al-Qur'an al-Azim* (Vol. 2). Cairo: Maktabat Madbouli. [In Arabic]
12. Ibn Babawayh, M. (1987). *Thawab al-A'mal va Iqab al-A'mal* (2nd ed.). Qom: Dar al-Sharif al-Radawi li-I-Nashr. [In Persian]
13. Ibn Babawayh, M. B. A. (n.d.). *Ilal al-Shara'e* (Vol. 1). Qom: Davari Bookstore. [In Persian]
14. Ibn Fares, A. (1982). *Mujam Maqaees al-Lughah* (Vol. 3). Qom: Maktab al-I'lām al-Islami. [In Persian]

15. Jahiz, A. (2003). *Al-Hayawan* (Vols. 1 & 2). Beirut: Muassasah al-A'lami li-l-Matbuat. [In Arabic]
16. Jassas, A. (1987). *Ahkam al-Qur'an* (Vol. 5). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
17. Koleyni, M. (2008). *Al-Kafi* (Vol. 12). Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]
18. Ma'arif, M. H. (2009). *Critique of Doubts about the Holy Quran* (2nd ed.). Qom: Tawhid. [In Persian]
19. Majlesi, M. B. (1982). *Bihar al-Anwar al-Jami'ah li-Durar Akhbar al-A'immat al-Athar* (Vols. 9, 37, 60, 92). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
20. Makarem Shirazi, N. (1992). *Tafsir Nemouneh* (Vol. 24, 10th ed.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Persian]
21. Mohammadi, N., & Akbarnejad, M. (2009). An exploration into the phenomenon of evil eye in the Quran and narrations. *Quran and Hadith Researches*, 6(12), pp. 67-90. [In Persian]
22. Morteza Zobeidi, M. (1993). *Taj al-Arus min Jawahir al-Qamus*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
23. Qomi Mashhadi, M. B. M. (1989). *Tafsir Kunuz al-Daqaiq wa Bahral-Ghara'ib* (Vol. 13). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
24. Qomi, A. (1993). *Safinat al-Bihar* (Vol. 2). Qom: Oswa. [In Persian]
25. Ragheb Esfahani, H. B. M. (1991). *Mufradat Alfaz al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Qalam. [In Arabic]
26. Sahib, I. (1993). *Al-Muhit fi al-Lughah* (Vol. 10). Beirut: Alam al-Kutub. [In Arabic]
27. Shahri Baf, J. (2019). *Ancient Tehran* (Vol. 3, 7th ed.). Tehran: Moein. [In Persian]
28. Sharif al-Razi, M. (1993). *Nahj al-Balagha (by Sabihi Salih)*. Qom: Hijrat. [In Persian]

29. Shokani, M. (1993). *Fath al-Qadir* (Vol. 3, 9th ed.). Damascus: Dar Ibn Kathir. [In Arabic]
30. Sobhani Pamchi, M. (2018). Causality analysis of the impact and inhibition of the verse "And it is almost" from the perspective of the two groups. *Oyoun*, 5(8), pp. 113-148. [In Persian]
31. Tabari, M. B. J. (1994). *Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Quran* (Tafsir al-Tabari, Vol. 30). Beirut: Dar al-Ma'rifah. [In Arabic]
32. Tabarsi, F. B. H. (1994). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 5, 10th ed.). Tehran: Naser Khosrow. [In Persian]
33. Tabarsi, H. B. F. (1986). *Makarim al-Akhlaq* (S. E. Mirbaqeri, Trans., Vol. 1, 2nd ed.). Tehran: Farhani. [In Persian]
34. Tabatabai, S. M. H. (1971). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 19, 20th ed.). Beirut: Moassesat al-Alami lil-Matbu'at. [In Arabic]
35. Wahedi, A. (2004). *Asbab al-Nuzul Wahedi* (Zekavati, Trans.). Tehran: Ney Publications. [In Persian]
36. Wester Mark, E. (2017). *Remnants of the Culture of the Pre-Islamic Era in Islamic Civilization* (Ali, Bolookbashi, Trans.). Tehran: Farhang-e Javid. [In Persian]
37. Zamakhshari, M. (1989). *Al-Kashaf 'an Haqaiq Ghawamidh al-Tanzil wa 'Uyun al-Aqawil fi Wujuh al-Ta'wil* (Vol. 2, 3rd ed.). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
38. Zare Zardini, A., Karimi Roknabadi, A., & Behraqm, N. (2015). Analysis of the phenomenon of evil eye in Islamic society in the light of Quranic verses. *Ketab Ghaim*, 5(13), pp. 73-92. [In Persian]